



دیدار اقشار مختلف مردم از استان های خراسان، اصفهان و تهران - 5 / مهر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

از همه ی برادران و خواهران که از راه های دور و نقاط مختلف، برای تجلیل از روزهایی که یادآور خاطره ی با شکوه دفاع ملت ماست، تشریف آورده اند، مخصوصاً از علمای اعلام و خانواده های معظم شهدا و رزمندگان و دلاوران عزیز، صمیمانه تشکر می کنم.

باید به این سؤال پاسخ گفت که بعد از آن که جنگ تحمیلی، با گذشت قریب هشت سال به پایان رسید، نیروهای بسیجی و رزمندگان جوان و پرشور، چه موقعیت و جایگاهی در جامعه ی ما دارند؟ شاید این هم یکی از شگردهای دشمن باشد که وانمود کند بعد از پایان جنگ، رزمندگان - چه آنهایی که در میدان جنگ امتحان دادند و توفیق یافتند که مجاهدت و فداکاری کنند و چه جوانان پرشوری که قدرت و روح دفاع را در خود می یابند، ولی از این که در میدانهای جنگ حضور زیادی داشته باشند، ناامیدند - نسبت به نقش دفاع از انقلاب، دلسرد و نومید شده اند. ما می گوئیم که دفاع از جامعه ی انقلابی، همیشه یک واجب اهم و ضروری است؛ چون تهدید علیه جامعه ی انقلابی، موضوعی تقریباً دائمی است. نمی گوئیم جنگ دائمی است. تهدید وجود دارد؛ اما بسته به این است که ملت ما چگونه در مقابل تهدید، خود را نشان بدهد و آمادگی خود را در چه حدی حفظ کند. اگر ملت انقلابی، همیشه آمادگی خود را حفظ کرد، یعنی جوانها عضویت در بسیج و کار در میدان تمرین و آموزش را همیشه برای خودشان نگه داشتند و اگر مردم، روحیه ی دفاع را برای خودشان حفظ کردند و اگر چهره و قیافه ی جامعه طوری بود که هرکس به آن نگاه کرد، احساس کند ملت آماده و مستعد دفاع از کشور است، در این صورت تهدیدها عملی نخواهد شد و نیت دشمن به تحقق نخواهد پیوست.

از رفتار یک جامعه می شود فهمید که آیا این جامعه، قادر به دفاع از هویت و حیثیت خود هست یا نه. جامعه یی که مردم آن به مسایل شخصی بیشتر اهمیت بدهند تا مسایل کشور و مسایل جمعی، جامعه یی که در آن جوانان رو به فساد روند، جامعه یی که افراد مؤثر آن نسبت به مصالح انقلاب و کشور بی تفاوت و بی اعتنا شوند، جامعه یی که در آن اختلافهای سیاسی و مذهبی و گروهی و صنفی و قومی اوج بگیرد و رشد کند، جامعه یی که زن و مرد آن به عشرت و زندگی مرفه و توأم با فساد گرایش پیدا کنند، بدانید که این جامعه قادر به دفاع از خود نیست. چنین جامعه یی از مصالح و شرف و حیثیت خود نمی تواند دفاع کند.

این که شما مشاهده کردید و افراد مسن خودشان دیدند و افراد جوان خبرش را شنیدند که در صد و پنجاه سال اخیر، استعمار روی فرهنگ کشور و جوانان و آموزش و پرورش ما اعمال نفوذ کرد و مردم را به بیکارگی و فساد تباهی و اختلاف سوق داد، بدین علت بود که می خواستند ملت ما از منافع و شخصیت و مصلحت و آینده ی خود نتواند دفاع کند. اگر دشمن به این نتیجه رسید که جامعه دیگر نمی تواند از خودش دفاع کند، بدانید که تهدید جدی است و نیت دشمن عملی خواهد شد و ضربه اش را وارد خواهد کرد.

علت این که ما ملت ایران، در ده سال بعد از انقلاب توانستیم در مقابل تهاجم گوناگون دشمن - با همه ی مشکلات آن - بایستیم و مقاومت کنیم و ضرر بیشتری متوجه آنان نکنیم، این است که به برکت دین و ایمان و انقلاب و اسلام و آموزش قرآنی و اسلامی شخصیت عظیم الشانی که بیان و سخن و کلامش، مفاد و مضمون قرآن و اسلام بود، در میان مردم ما روحیه ی انقلابی و پارسایی انقلابی و وحدت کلمه یی بیشتر حکم فرما بود. دشمنان ما - عراق و امریکا و شرق و غرب - از اتحاد خود و حمله و فشار به نظام جمهوری اسلامی، طرفی نبستند. علت موفقیت ما این بود که شما جوانان در صحنه بودید، ملت آماده بود و روحیه ی انقلابی بر جریانهای غیرانقلابی و ضد انقلابی غلبه داشت. تا وقتی این گونه باشد، تهدیدهای دشمن عملی نخواهد شد. تهدید و سوء نیت دشمن و



خطر وجود دارد؛ اما تا شما در صحنه هستید، این خطر تحقق پیدا نخواهد کرد.

نقش جوانان بسیجی و بسیج، در این آمادگی عمومی کاملاً روشن است. من در جواب آن سؤال آغازین که جایگاه بسیج در کشور ما بعد از دوران جنگ کجاست؟ می‌گویم که بسیج باید با همان روحیه و شور و قدرت دوران جنگ باقی بماند و جوانان آموزش ببینند و سازماندهی شوند و آمادگی و حضور پیدا کنند.

بسیج، یکی از نیروهای مسلح نیست. بسیج، متن ملتی است که در مراکز نظامی و صنعتی و اجتماعی و دینی و آموزشی حضور دارد. این‌طور نیست که ما ارتش و سپاه داریم و یک نیروی مسلح دیگر هم به نام بسیج داریم. خیر، بسیج متن ملتی است که در سایه‌ی آموزش، سلاح به دست گرفته و در وقت نیاز کشور، همراه نیروهای مسلح، بیشترین و سنگینترین بار را به دوش می‌گیرد؛ چنان‌که در جنگ دیده شد. البته، سازماندهی و نظم و ترتیب و ادب و برخورد اسلامی، اساس قضیه است.

من، به برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سفارش مؤکد کرده‌ام که مسأله‌ی بسیج را جدی بگیرند. اداره و ترتیب بسیج، در حدود نیمی از مأموریت و مسؤلیت سپاه پاسداران است. در کنار این موضوع، باید بگویم که رفتار و ادب و نظم و انضباط افراد بسیج باید از دیگران به رفتار اسلامی نزدیکتر باشد و روحیه‌ی آمادگی بسیجی در تمام دستگاهها و سازمانهای کشور، باید ان‌شاءالله حکم فرما شود.

به‌مناسبت حضور جمعی از برادران گمرك در این مجلس، تأکید می‌کنم که روحیه‌ی بسیجی و انقلابی توأم با آمادگی کامل برای کار و تلاش، به نحو صحیح و صادقانه، در سازمانهای مالی و اقتصادی و اجتماعی حکم فرما شود. گمرك، از جمله مراکز انحصاری بیگانگان در زمان سلطه‌ی آنان بر ایران بود که از طریق آن، علیه مصالح ملت کار می‌کردند. دروازه‌های ورودی و خروجی کشور، در اختیار بیگانگان و افراد و مؤسسات و دولتهای وابسته به آنان بود؛ بیگانگانی که هیچ علاقه‌ی به مصالح کشور نداشتند و این جز ذلت و رقت نبود. بعدها هم که از دست بیگانگان گرفته بودند، فساد دستگاههای مالی - از جمله گمرك - در دوران رژیم گذشته آن‌چنان بود که باز برای ملت ضرر و زحمت به همراه داشت. البته، عناصر خوب و امین همه جا بودند - آن‌جا هم بودند - لیکن گاهی یک آدم فاسد، دستگاهی را به فساد می‌کشانند. البته در دوران انقلاب، بحمدالله مدیران خوب و مسؤولان دلسوز، بر این مجموعه‌ها مدیریت کرده‌اند و تلاش فراوانی شده است، ولی همچنان کارهای زیادی باقی است.

گمرك جمهوری اسلامی، اولین منزل و دروازه‌ی ورودی برای خارجیهاست و در همین منزل اول، ادب و امانت و میهمان‌نوازی و حدود مسلمانی ما را می‌سنجد و امیدوارم تلاش شود تا کار، با مقررات آسان و در کمال سلامت و سهولت و اتقان و استحکام و بدون هیچ‌گونه فشار غیرقانونی و ناشی از سلیقه‌ی شخصی انجام بگیرد؛ به‌طوری‌که منافع ملت از این طریق مورد خطر و تهدید قرار نگیرد. گرچه امروز، تلاش و زحمت زیادی جهت گره‌گشایی مشکلات توسط دستگاههای دولتی صورت می‌گیرد؛ ولی در شرایط فراغت از جنگ، باید گمرك ان‌شاءالله به بهترین شکل مطلوب ظاهر شود.

من، اشاره‌ی نیز به مناسبت حضور جمعی از برادران اهل سنت ایرانی و خارجی در این محفل بکنم؛ برادرانی که به برکت اسلام و بدون در نظر گرفتن مرزها، برادر یکدیگرند و چنان‌که در روایت آمده است: "المؤمن اخ المؤمن لابیة و امه": مؤمن، برادر پدر و مادری مؤمن است. امروز، بیشتر از همیشه باید به وحدت کلمه‌ی مسلمین اهمیت داد؛ چون اختلاف، راه همیشگی نفوذ دشمنان در جوامع اسلامی است. راههای بلند مدت اختلاف و شکاف که صد یا دویست و یا پانصد سال به طول می‌انجامیده، آیینی استعماری به‌وجود می‌آورده تا زخمی در پیکر و مجموعه‌ی عالم اسلامی ایجاد کند که درمانش به سادگی میسر نباشد؛ مثل وهابیت و برخی مذاهب و ادیان ساختگی که با هدف ایجاد شکاف در دنیای اسلام پدید آمده است.

اگر بنا باشد که تاریخچه‌ی استفاده‌هایی که استعمار از این شکاف و زخم کرده است، بیان شود، یک کتاب خواهد



شد. من، نمونه‌های مفصلی را از این سوء استفاده‌های گوناگون در همه جای دنیای اسلام - از صد سال قبل به این طرف - سراغ دارم که با حربه و یا تهمت و هابیت، ایجاد اختلاف و شکاف کرده‌اند. دشمن، با همه‌ی راه‌های مختلفی که برای ایجاد شکاف در جامعه‌ی اسلامی آزموده است، امروز با پدیده‌ی بدون سابقه که مرکز وحدت همه‌ی مسلمین شده است، روبه‌روست و آن "جمهوری اسلامی" است. این پرچم بلند و صدای رسا، پدیده‌ی نوظهور است که قانون اساسی و شعار و عمل آن، مطابق اسلام است و به‌طور طبیعی دل‌های مسلمانان در اقطار عالم، برای آن می‌تپد. امروز، جای دیگری با این قاطعیت و جدیت، دنبال احکام اسلامی نیست. منظور، ملت‌ها نیستند؛ چرا که ملت‌های مسلمان، همه جا عاشق اسلام و آماده برای عمل به اسلامند. منظور، سیاست‌ها و نظام‌ها و دولت‌هاست که اگر به‌نام اسلام هم شروع کردند، وقتی با امواج شدید تهاجم‌های جهانی مواجه شدند، عقب نشستند.

همان‌طور که دیدید، در این ده‌سال به‌خاطر اسلام به ما همه چیز گفتند: کهنه‌پرست، مرتجع، بی‌تمدن، فنانیک! در سفری که من به پاکستان می‌رفتم، امام امت (رضوان‌الله‌علیه) فرمودند که شما به علمای پاکستان بگویید: فشارهای وارده بر ما از سوی آمریکا و ارتجاع و شرق و غرب، نه به‌خاطر ایرانی بودن ماست؛ بلکه به‌خاطر اسلام است. آن روزی که دنیا احساس کند - العیاذبالله - ما نسبت به اسلام جدی نیستیم، آن روزی که دنیای مستکبر احساس کند ما حاضریم روی اسلام معامله کنیم و بی‌تفاوت شده‌ایم، این فشارها تمام خواهد شد. من، عین بیان حضرت امام را به علمای پاکستان - که جمع کثیری از علمای مسلمین بودند و از همه‌ی اقطار پاکستان آمده بودند - گفتم.

برای ما محسوس و ملموس است که علت فشار، اسلام است. مسلمان‌های عالم این نکته را می‌فهمند و احساس می‌کنند که این‌جا ام‌القرای اسلام و وطن اصلی و مرکز حقیقی اسلام است. لذاست که دل‌هاشان برای ایران و نظام جمهوری اسلامی می‌تپد و به این عامل وحدت شوق پیدا می‌کنند. امروز، استعمار با توجه به وجود عامل وحدت، سعی می‌کند شکافها و اختلافها را از طرق مختلف قومی و مذهبی، میان شیعه و سنی به‌وجود آورد. در بین اهل تسنن، به‌نام مکتب فلان مدرسه، اهل حدیث و...؛ و در بین شیعه، به‌نام‌های دیگر. ما که مسلمان هستیم، باید حواسمان جمع باشد. ما باید بفهمیم که پول نفت فلان کشوری که به نوکری آمریکا و غرب، در میان ملت‌های مسلمان شناخته شده و روسیاه است و به استکبار وابستگی دارد، اگر صرف انتشار کتابی در رد تشیع شد، محض رضای خدا و علاقه‌ی به تسنن نیست و غرض خبیثی را دنبال می‌کند. عکس قضیه هم صادق است. اگر دیدیم عواملی در جامعه‌ی شیعی، مشغول تحریک و برانگیختن حساسیت نسبت به برادران اهل سنت یا مقدسات آنها هستند، اگر حمل بر کج‌سلیقگی و بد فهمی نکنیم، باید بدانیم که قطعا دست دشمن است. دشمن، از کجی سلیقه نیز بیشترین استفاده را می‌کند. لذا امروز، اتحاد مسلمین و صفای دل برادران مسلمان با یکدیگر، شرط اصلی اعلائی کلمه‌ی اسلام است.

اگر کسی اعلائی کلمه‌ی اسلام را نمی‌خواهد، شما در برابر او تعهدی نداشته باشید؛ اما اگر طرفداران قرآن و اسلام - از هر فرقه و مذهبی - راست می‌گویند و واقعا دل می‌سوزانند و می‌خواهند که قرآن عزیز و عظیم بماند، باید بدانند که این فریادها و این قلم‌های مزدور و این پول‌های پلید و خبیث که در بعضی از کشورها برای ایجاد اختلاف خرج می‌شود، مانع از سربلندی اسلام است و این، کار دشمن است. لذا توصیه می‌کنم هفته‌ی وحدت را - که نزدیک هم است - هم دستگاه‌ها و هم مردم و بخصوص علمای شیعه و سنی در داخل و خارج از کشور، با جدیت برگزار کنند و نشانه‌ی وحدت و برادری قرار دهند. اگر ما متحد و برادر باشیم و بر اختلافات خویش فایق بیاییم، حربه‌ی دشمن کند و از ضربه‌پذیری دنیای اسلام کاسته خواهد شد.

مجدداً از همه‌ی شما برادران و خواهران و قشرهای مختلف داخل و خارج کشور که تشریف آوردید، تشکر می‌کنم و



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

امیدوارم که خدای متعال به شما توفیق بدهد و همهی ما را در راه خود ثابت قدم نگهدارد و روح مقدس امام عزیزمان را از همهی ما شاد بفرماید و قلب مقدس ولی عصر را از ما خشنود بگرداند و دعای آن بزرگوار را ان شاء الله شامل حال ما بفرماید.
والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته